

و اسوه‌پذیری، زنده نگه داشتن اهداف و افکار را نیز فراهم می‌آورد که البته بین مصادیق قبور در زیارت، فرق است. برتری روحی صالحان و بزرگان و مقامات معنوی آنان ایجاب می‌کند که بتوانند در حدی که خدای متعال به ایشان قدرت روحی و معنوی داده است، به زائر خود کمک کنند و آنان را مورد مرحمت و عنایت قرار دهند و فیض‌هایی نصیبشان نمایند. تجدید عهد و پیمان زائر با مزور، توسل و درخواست شفاعت زائر از مزور و تبرک او از قبر، و نزول برکات و رفع گرفتاری‌های زائر با زیارت قبور صالحان و بزرگان دین، از دیگر کمالاتی است که زائر از زیارت قبور آنان کسب می‌کند و همین امر موجب امتیاز زیارت آنان از زیارت سایر قبور می‌شود و فضیلت بیشتری دارد.

تبیین وجه تمایز زیارت برخی قبور بر برخی دیگر در دیدگاه فقه اسلامی، در دو مبحث کلی ارائه می‌شود:

در مبحث اول، به بیان دیدگاه آن دسته از اندیشه‌ورانی پرداخته می‌شود که معتقدند زیارت قبور صالحان و بزرگان دین و مذهب، اصحاب پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، شهدا، و علمای مذاهب اسلامی دارای امتیازی ویژه است و اهمیتی فوق‌العاده دارد و از فضیلت بیشتری نسبت به زیارت قبور سایر مسلمانان برخوردار است.

در مبحث دوم، به تبیین ویژگی ممتاز زیارت قبور اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، و تمایز آن از سایر قبور صالحان و بزرگان دین و مذهب پرداخته می‌شود و دیدگاه فقها و اندیشه‌وران اسلامی مذاهب مختلف و ادله آنان بیان می‌گردد:

مبحث اول

تمایز زیارت قبور صالحان و بزرگان دین از زیارت سایر قبور

«ابو عبدالله بن نعمان عکبری» (م ۱۶۶ق.) می‌نویسد:

«تَحَقَّقْ لِدَوِي الْبَصَائِرِ وَالْإِعْتِبَارِ أَنَّ زِيَارَةَ قُبُورِ الصَّالِحِينَ مَحْبُوبَةٌ لِأَجْلِ التَّبَرُّكِ، فَإِنَّ بَرَكَةَ الصَّالِحِينَ جَارِيَةٌ بَعْدَ مَمَاتِهِمْ كَمَا كَانَتْ فِي حَيَاتِهِمْ وَالِدُعَاءِ عِنْدَ قُبُورِ الصَّالِحِينَ وَالشَّفَعِ بِهِمْ مَعْمُولٌ بِهِ عِنْدَ عُلَمَائِنَا الْمُحَقِّقِينَ مِنْ أُمَّةِ الدِّينِ» (ابن الحاج، ۱۴۲۴ق.، ج ۱، ص ۲۵۴).

«عبدری مالکی» (م ۷۳۷ق.) پس از نقل کلام یادشده، زیارت قبور صالحان را منشأ خیر و برکت دانسته و گزارش داده است که علما و بزرگان از دیرباز در شرق و غرب عالم این خیر و برکت را حس کرده‌اند (همانجا).

«غزالی» (م ۵۰۵ق) (غزالی، بی تا ج ۱۵، ص ۱۷۴) و «فیض کاشانی» (م ۱۰۹۱ق) (فیض کاشانی، ۱۹۸۳م، ج ۸، ص ۲۸۹)، در عبارتی یکسان، و «بکری دمیاطی» (۱۳۱۰ق) (بکری دمیاطی، ۱۴۱۸ق،

ج ۲، ص ۱۳۷) زیارت قبور صالحان را به منظور تبرک جستن از آن، مستحب دانسته‌اند و «عسقلانی» (م ۸۵۲ ق) (عسقلانی، ۱۳۷۹ ق، ج ۳، ص ۱۷۲) و «عینی حنفی» (م ۸۵۵ ق) (عینی حنفی، بی تا، ج ۸، ص ۶۳)، پس از نقل روایتی، تبرک جستن از آثار و قبور صالحان را مشروع دانسته و در جای دیگر از عملکرد مسلمانان در زیارت قبور صالحان؛ یعنی تقییل و تبرک جستن به آن، سخن گفته‌اند و فتاوی برخی علما، همچون ابن ابی صیف یمانی، از علمای مکه را ذکر کرده‌اند (عسقلانی ۱۳۷۹ ق، ج ۳، ص ۵۵۵؛ عینی، بی تا، ج ۴، ص ۲۷۵).

«سبکی» (م ۷۵۶ ق) (سبکی، ۱۴۱۹ ق، صص ۱۹۷-۱۹۶) و «محمد بخیت» (م ۱۳۵۰ ق)، (بخیت حنفی، ص ۷۶) در عبارتی یکسان، به مضاعف بودن خیر و برکت ناشی از زیارت قبور صالحان برای زائر تصریح کرده‌اند و «ابن حجر هیثمی» (م ۹۷۴ ق) (همانجا)، از نفع بردن زائر، به حسب معرفت و شناخت خود، در زیارت قبور صالحان سخن گفته است.

«نووی» (م ۶۷۶ ق) (نووی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۶۸) و «خطیب شربینی» (م ۹۷۷ ق) (خطیب شربینی، ۱۳۷۰ ق، ج ۱، ص ۳۶۵) در عبارتی یکسان، به استحباب کثرت زیارت و وقوف نزد قبور اهل خیر و فضل فتوا داده‌اند و «نبهانی» (م ۱۳۵۰ ق) در تتمه کتاب خود، کلمات و عبارات برخی از علمای مذاهب اسلامی را ذکر کرده است (نبهانی، بی تا، ص ۱۴۹ و ۱۹۲).

ادله‌ای که می‌توان برای برتری زیارت این قبور از زیارت قبور سایر مسلمانان در فقه اسلامی اقامه کرد، دلیل عقلی، سیره عقلا و به تبع آن، سیره مسلمانان است.

دلیل عقلی

تبیین عقلی امتیاز زیارت قبور صالحان و بزرگان دین، نسبت به دیگر قبور، در منظر کسانی که درک حُسن و قبح ذاتی افعال توسط عقل را انکار نکرده و تلازم آن با حکم شرعی را پذیرفته‌اند، به سه وجه تقریر شده است:

تقریر اول

گرامیداشت و زنده نگه داشتن نام و یاد انسان‌های الهی، شایسته، فرهیخته، فرهنگ‌ساز، نقش آفرین، مُصلح، تاریخ‌ساز و... پس از مرگ و حضور بر سر مزار و زیارت قبور آنان، لازمه محبت، عشق و ارادت انسان به نیکی‌ها و کمالات انسانی است و در سرشت آدمی

ریشه دارد؛ به طوری که فطرت سلیم به آن بیش از زیارت سایر قبور رغبت نشان می دهد. هر چند ممکن است غفلت، کبر، خودبینی، هوس و وساوس شیطانی، مانعی برای درک این علم حضوری شود، منتها این معرفت و آگاهی فطری و گرایش عملی انسان، فراگیر و همگانی است و حقیقت انسانیت با این واقعیت سرشته شده است (امین، ۱۴۳۲ق، ص ۱۸۴).

تقریر دوم

اولیای الهی، صالحان و بزرگان، منشأ خیر و برکت اند و مردمان در زمان حیات آنان از برکات معنوی شان استفاده می کردند. اما این برکات با مرگ آنان قطع نمی شود؛ بلکه روحشان به معدن خیر و برکات وارد می گردد و از آنجا که نفوسشان از عالم ماده و شهوات مُنقطع می گردد، خیر و برکات آنان بیشتر می شود و تأثیر گذاری و تصرفاتشان در این نشئه مادی، بیش از زمان حیاتشان است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۲ و ۷۳؛ آملی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۷). با توجه به این مقدمه باید گفت: بهره برداری از برکات صالحان و اولیای الهی و سعی در از دست ندادن آن، در منظر عقل، شایسته و حسن است (سبزواری، ۱۳۸۸ش، ج ۱۵، ص ۳۴؛ اشتهاوردی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۴۶۴) و زیارت قبور آنان، در کنار معرفت و آگاهی به هدف و آرمان آنان، یکی از راه های جلب آن فیوضات و برکات برای زائر است.

تقریر سوم

تکریم و تعظیم کسانی که به احیای ارزش های دینی همّت گمارده و در این راه تلاش و فداکاری هایی داشته اند و با رعایت تقوای الهی، مقرب درگاه الهی شده اند، کاری شایسته و در منظر عقل، حسن است؛ خواه این افراد زنده باشند، خواه مرده (امین، ۱۴۳۲ق، ص ۳۴۲؛ فاضل مقداد، بی تا، ص ۳۰۴). یکی از راه های بزرگداشت و تجلیل از فضیلت ها و گرامی داشت خاطره ها، خدمات و فداکاری های صالحان و بزرگان دین و مذهب، حضور بر سر مزارشان و زیارت قبور آنان است.

سیره عقلا در تجلیل و تعظیم

بنای خردمندان عالم بر این بوده و هست که از بزرگان خود، به شیوه های گوناگون تجلیل کنند که زیارت قبور آنان یکی از این روش هاست. این سیره با قطع نظر از عقل

و دیانت، در هر ملت و مذهبی وجود دارد و مردم جوامع گوناگون برای گرامیداشت بزرگان، قهرمانان و چهره‌های برجسته جامعه خود و تجلیل از فداکاری‌ها، خوبی‌ها و خدمات آنان به زیارت قبورشان می‌روند.

تقریب استدلال از منظر مذهب جعفری

سیره مزبور در دلیل قبل که در میان به جا آورندگان آن، فقها و متقین نیز حضور دارند، تا زمان اولیای الهی ادامه دارد و بدیهی است که برگرفته از ایشان است؛ زیرا امکان ندارد همه متشرعه در امور عبادی بدون دلیل به چیزی مقید باشند. از سوی دیگر، روش و عملکرد معصومین علیهم‌السلام بر رعایت شریعت جد بزرگوارشان و تذکر و توجه دادن مردم به بدعت‌ها و تحریف و انحراف‌ها در سنت آن حضرت بوده است؛ به گونه‌ای که اگر گروهی از مسلمانان به رفتار و عملکردی مخالف با شریعت حق و سنت واقعی اهتمام می‌ورزیدند و آن عمل، مورد ابتلای عموم مسلمانان می‌بود و در منظر همگان قرار می‌داشت، اهل بیت علیهم‌السلام بر حکم آن مسئله اهتمام ورزیده، مخالفت خود را با آن حکم برای اصحاب بیان می‌کردند و بر آن تأکید می‌نمودند. با این حال در مورد زیارت قبور، نه تنها ردعی نداشته‌اند، بلکه این عمل برخی از بزرگان و صلحا را امضا و تأیید کرده‌اند.

شیخ طوسی به نقل از کلینی، در گزارشی از موسی بن جعفر علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود:
 «مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَزُورَ قُبُورَنَا فَلْيَزُرْ قُبُورَ صَالِحَاءِ إِخْوَانِنَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۹ و ۶۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۱۱).

در این فقره به صراحت، امتیاز و ویژگی زیارت قبور صالحان و بزرگان دین و مذهب، که برادر اهل بیت علیهم‌السلام خوانده شده‌اند، مورد تأیید ویژه قرار گرفته است. گفتنی است، ابن قولویه (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۳۱۹) در گزارش دیگری از حضرت علی بن موسی علیه‌السلام، و شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۱۶) و شیخ طوسی (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۰۴) از حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام و شیخ صدوق (صدوق، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۷۳ و ص ۹۹) از حضرت جعفر بن محمد علیه‌السلام این گونه نقل کرده‌اند که فرمودند: «مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى زِيَارَتِنَا فَلْيَزُرْ صَالِحِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا».

با توجه به این روایات، سیره عقلا، مورد تأیید و امضای شرع قرار گرفته است و حجیت آن، بنا بر تمام مبانی در اصول فقه مذهب جعفری، خدشه پذیر نیست.

تقریب استدلال از منظر مذاهب دیگر

براساس منابع تاریخی و روایی، مسلمانان با تاسی به این سیره و روش عقلائی از صدر اسلام تا کنون، نسل به نسل، از همه طبقات و اقشار، با هر مذهب و اعتقاد، در زیارت قبور صحابه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، صالحان و بزرگان دین و مذهب و علما و اولیای الهی، رغبت ویژه‌ای از خود نشان داده و علاوه بر تبرک جستن از مزار آنان، با بوسیدن، دست کشیدن و گذاشتن صورت روی قبر و توسل و طلب باران (استسقاء) از خداوند به برکت آنها، به تعظیم و تکریم آنان مبادرت کرده و خود را به ادای احترام ویژه در زیارت ایشان، ملزم می‌دانستند.

استمرار این سیره در جوامع و اعصار مختلف، تا زمان تابعین، تابعین تابعین، صحابه و مسلمانان صدر اسلام، اهمیت بسزایی دارد؛ چه اینکه اگر استمرار این عملکرد تا آن زمان ثابت شود و در عین حال مورد خدشه و اعتراض بزرگان صحابه و تابعین قرار نگرفته باشد، می‌تواند بهترین دلیل برای تأیید عملکرد مسلمانان در زیارت قبور صالحان و بزرگان باشد و اصولاً گستره، حجم و شیوع این سیره در میان مسلمانان با هر عقیده و مذهبی در ادوار مختلف تاریخی، مانع می‌شود که بتوان به بدعت بودن آن حکم کرد؛ بلکه به قطع می‌توان گفت که از تعالیم اسلام و احکام آن نشئت گرفته است.

اثبات اهتمام ویژه مسلمانان به تعظیم و تکریم قبور صالحان و بزرگان دین و بهره‌برداری از خیر و برکت آنان، نیازمند تتبع دقیق در گزارش‌های تاریخی، حدیثی و روایی است. البته ممکن است در خصوص برخی مصادیق، شدت و ضعفی در اهتمام آنان مشاهده شود.

مطالعه این گزارش‌ها، می‌تواند تصویر واضح و روشنی از عملکرد مسلمانان، با هر مذهب و عقیده، از زیارت قبور بزرگان، شهدا و علمای مذاهب اسلامی و رغبت و اهتمام ویژه آنان به زیارت این قبور و بهره‌برداری از برکات آنها ارائه کند. برخی از این گزارش‌ها، به کلیت این سیره در زیارت صالحان اشاره می‌کند که گزارش «ابوعبدالله بن نعمان عکبری» (م ۶۱۶ق) (ابن‌الحاج، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۵۴)، «عبدری مالکی» (م ۷۳۷ق)

(همانجا) و «اخوان الصفا» از این جمله‌اند. اخوان الصفا، که نام جمعیتی سرّی از اندیشه‌وران سدهٔ چهارم هجری است،^۱ در این زمینه می‌نویسند:

وما يدلّ علی ... ذهاب الناس إلى قبور الصالحين والأولياء والأخيار و لطلب الغفران و استجابة الدعاء و التوسل بهم إلى الله - عزّ و جلّ - و ما یرجون من شفاعتهم عند ربّهم و ما یطلبون أيضاً من قضاء حوائجهم من أمور الدنيا بالدعاء عند قبورهم (اخوان الصفا، ۲۰۰۷م، ج ۴، ص ۳۴).

علاوه بر این، گزارش‌های متعددی از زیارت قبور برخی از مصادیق خاص صحابه، تابعین و بزرگان دین و مذهب، در ادوار مختلف تاریخی وجود دارد که سیرهٔ مسلمانان در آن منعکس شده است.

زیارت و تبرک به خاک قبر شریف «حمزه سیدالشهدا» (م ۳ق)، (سمهودی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۶۸ و ۱۱۶)^۲ «بلال بن رباح حبشی» (م ۲۰ق) (ابن جیبر، ۱۹۸۶م، ص ۲۱۷)، «سلمان فارسی» (م ۳۶ق) (بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۶۳، ش ۱۲) و قبر «عبدالله بن غالب خُدّانی» (م ۸۳ق) (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۰، ص ۴۱۰، ش ۳۴۵۸؛ ذهبی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۱۱۹، ش ۸۱) و قبر «عبید بن سریج» (م ۹۸ق) (اصبھانی، بی‌تا، ج ۱، صص ۸۷-۸۶؛ ابن عساکر، ۱۴۰۷ق، ج ۳۱، صص ۴۳-۴۴، ش ۳۳۹۶) و طلب باران به برکت قبر «عبدالرحمان بن أبی ربیع» (م ۳۱ق) (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۹۸، ش ۵۱۱۹) «ابو ایوب انصاری» (م ۵۲ق) (ابن سعد، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۸۵-۴۸۴؛

۱. اخوان الصفا و خُلان الوفا، جمعیت سرّی فلسفی و عرفانی است که در بصره و بغداد تشکیل شد. آنها به نوشتن مقالاتی بدون ذکر نام نویسنده روی آورده و دائرةالمعارف رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا را با همین نام نوشتند. هرچند این انجمن سرّی بود، نام چند تن آنان از طریق آثار ابو حیان توحیدی و دیگران شناخته شده است؛ «ابوسلیمان محمد بن معشر بُستی معروف به المقدسی یا المقدیسی»، «ابوالحسن علی بن هارون زنجانی»، «ابو احمد مهرجانی یا محمد بن احمد نهرجوری»، «ابوالحسن عوفی» و «زید بن رفاعه» (برای مطالعه بیشتر ر. ک: اخوان الصفا، ۲۰۰۷م).

۲. از باب نمونه به متن سمهودی اشاره می‌شود: «ثم رأیت الزرکشی قد قال: ینبغی أن یستثنی من منع نقل تراب الحرم [النوی]، تربة حمزة، لإطباق السلف و الخلف علی نقلها للتداوی من الصداغ و سمعت أبا محمد عبدالسلام بن یزید الصنهاجی یقول: سألت أحمد بن یکوت عن تراب المقابر الذی کان الناس یحملونه للتبرک ... فقال: هو جائز و ما زال الناس یتبرکون بقبور العلماء و الشهداء و الصالحین و کان الناس یحملون تراب قبر سیدنا حمزة فی القديم من الزمان».

حاکم نیشابوری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۵۱۸) و «مسروق بن اجدع» (م ۶۳ق) (ابن سعد، بی تا، ج ۶، ص ۸۴) از جمله مواردی است که در ادوار مختلف تاریخی گزارش شده است.

زیارت و تبرک جُستن به قبر «عمر بن عبدالعزیز» (م ۱۰۱ق)، «نعمان بن ثابت (ابوحنیفه)» (م ۱۵۰ق)، «لیث بن سعد» (م ۱۷۵ق)، «عبیدالله بن محمد بن عمر بن علی بن الحسین بن علی» (م ۱۸۵ق)، «معروف بن فیرزان کرخی» (م ۲۰۰ق)، «محمد بن ادریس» (م ۲۰۴ق)، «احمد بن حنبل» (م ۲۴۱ق)، «ذوالنون مصری» (م ۲۴۶ق)، «ابوعبدالله محمد بخاری» (م ۲۵۶ق)، «ابراهیم حربی» (م ۲۸۵ق) و بسیاری دیگر، که برخی نویسندگان به تفصیل به آن اشاره کرده‌اند (طبسی، ۱۳۹۱ش، ص ۵۱۴، ۵۷۰)، از دیگر مواردی است که مسلمانان در اعصار مختلف تاریخی به زیارت قبور آنان می‌شتافتند و خود را به تعظیم و تکریم آنان ملزم می‌دانستند.

با نگاهی به اسامی یادشده، روشن می‌شود که قبور زیارت‌شده به دست مسلمانان، از آن شیعیان و بزرگان آنان نیست؛ همان‌طور که زیارت‌کنندگان نیز تنها شیعیان و پیروان مذهب جعفری نبوده‌اند؛ بلکه این سیره مسلمانان به گرایش و مذهب خاصی تعلق ندارد و این فراگیر بودن در ادوار مختلف تاریخی با هر مذهب و اعتقادی، نمی‌تواند ناشی از احکام و تعالیم دینی نباشد؛ بنابراین، ویژه بودن زیارت بزرگان دین و مذهب و امتیاز و فضیلت آن نسبت به زیارت سایر قبور، فارغ از برخی مصادیق، در دین مبین اسلام، مشروع بلکه سنت مؤکد است.

مبحث دوم

ویژگی ممتاز زیارت قبور اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام

فضیلت زیارت قبور اهل بیت علیهم‌السلام و امتیاز آن از زیارت سایر قبور، نه تنها در منظر علما و فقهای شیعه مورد توجه بوده و هست (صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۴۶۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، صص ۱۰۰-۸۵)، بلکه در سیره و سخن عالمان و فقهای مذاهب اسلامی، مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. اشعار «عبدالرحمان جامی حنفی» (م ۸۹۷ق) (جامی، ۱۳۷۸ش، ج ۱، صص ۵۶-۵۴) درباره فضیلت و آثار زیارت بارگاه شریف امام علی علیه‌السلام و نیز اشعار حکیم «سنایی غزنوی» (م ۵۴۵ق) (سنایی غزنوی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۷۱) درباره پیرزنی که از راه دور، قبر امام حسین علیه‌السلام را زیارت

می کرد و به آن حضرت سلام می داد و همچنین اشعار شوق برانگیز «خاقانی» (م ۵۹۵ق) در زیارت امام رضا علیه السلام، در خور توجه است (خاقانی، ۱۳۷۸ش، ص ۹۷). «ابن حبان» (م ۳۵۴ق) می نویسد:

زمانی که در طوس بودم، به هنگام گرفتاری، به زیارت قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام - که درود خدا بر جدش و خودش باد! - می رفتم و از خداوند می خواستم تا آن گرفتاری را از من دور کند و او نیز حاجت مرا برآورده می کرد و مرا از آن گرفتاری دور می نمود و این امری بود که من آن را بارها تجربه کرده و این چنین می یافتم. (ابن حبان، ۱۳۹۵ق، ج ۸، ص ۴۵۷).

از حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق) از محمد بن مؤمل بن حسن بن عیسی، درباره زیارت قبر حضرت امام رضا علیه السلام از سوی ابن خزیمه (م ۳۱۱ق)، ابوعلی ثقفی (م ۳۲۸ق) و جمعی از بزرگان، علما و مشایخ آن عصر گزارش شده است (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۳۳۹).

«ابوعلی حسن بن ابراهیم خلال» (م ۲۴۲ق)، از علما و شیوخ حنابله، در فضیلت و برکات زیارت قبر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می گوید: «هیچ گاه مشکلی برایم پیدا نمی شد، مگر آنکه قصد زیارت قبر موسی بن جعفر علیه السلام را می کردم و در آنجا به حضرت متوسل می شدم و خداوند نیز مشکلم را آسان می کرد.» (بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۳۳).

«عبدالله شبراوی شافعی» (م ۱۱۷۲ق) در خصوص فضیلت زیارت بارگاهی که گفته می شود سر مبارک امام حسین علیه السلام در آنجا قرار دارد، می نویسد: «والبرکات فی هذا المشهد مشاهدۀ مرئیة، و النفحات العائدة علی زائریه غیر خفیة، و هی بصحة الدعوی ملیة» (علامه امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۱۸۶). او در ادامه، گزارش می دهد که «ابوالخطاب بن دحیه» (م ۶۳۳ق) در این باره تألیف مفیدی دارد و در آن از «قاضی زکی الدین عبدالعظیم مُنذری» (م ۶۵۶ق) درباره زیارت این مکان شریف، استفتا کرده که پاسخ آن چنین است: «هذا مکانٌ شریفٌ وبرکته ظاهرة والاعتقادُ فیهِ خیرٌ والسلام» (همانجا).

این کلمات، گوشه ای از عبارات فقهای مذاهب اسلامی است. اما مهم، تبیین ادله و اثبات فقهی فضیلت زیارت این قبور است. علاوه بر درک عقل و سیره عقلا که به طریق اولویت در زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام جاری است، سه دلیل ذکر می شود:

۱. زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام مصداق تعظیم شعائر الهی

قرآن مجید تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی را نشانه تقوای قلوب و تسلط پرهیزگاری بر دل‌ها می‌داند، آنجا که می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَعْظُمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج: ۳۲). شعائر جمع مکسر و از ماده «ش ع ر» است و مفرد آن، یا «شعیره» به معنای نشانه و علامت است (ابن منظور، ۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۱۴) و یا «شعار»، با کسر شین، به معنای علامت، یا اعلان و مناسک حج (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۶).

واژه شعائر در سه آیه دیگر نیز استعمال شده (بقره: ۱۵۸؛ حج: ۳۶؛ مائده: ۵) و دیدگاه‌ها در خصوص مفهوم آن گردآوری و ذکر شده است (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۴۱۹؛ طبرسی، بی تا، ج ۳، ص ۲۶۲). با دقت در تمام احتمالات، (قربانی حج، اعمال حج، موضع اعمال حج) به نظر می‌رسد معنا و مفهوم آن همان علامت و نشانه‌های دین خداست و اختلاف دیدگاه‌ها، در مصداق شعائر است. بنابراین آیه شریفه مذکور، بر مطلوبیت تعظیم و بزرگداشت هر علامت و نشانه دین خداوند دلالت دارد؛ به عبارت دیگر، اگر در قرآن کریم، صفا و مروه (بقره: ۱۵۸) و شتری که برای ذبح در مناسوق داده می‌شود (حج: ۳۶) از شعائر الهی شمرده شده، بدان روست که اینها نشانه‌های دین حنیف و آیین ابراهیمی و به تبع، آیین اسلام است. اگر مجموع «مناسک حج» را «شعائر» می‌نامند (مائده: ۵)، از آن روست که این اعمال، نشانه‌های توحید و دین حنیف‌اند. اگر به مُرْدَلَفَه، «مَشْعَر» می‌گویند به خاطر این است که نشانه دین الهی است و وقوف در آن، نشانه عمل به دین و اطاعت خداست. پس هر چیزی که شعار و نشانه دین خدا باشد، بزرگداشت آن، مایه تقرب به درگاه الهی است. این نظر، جامع تمام آرای دیگر است و مورد توجه بسیاری از صاحب نظران قرار گرفته است (برای اطلاع بیشتر ر. ک: ابن ابی حاتم، بی تا، ج ۱۳، ص ۷۰۶، «شعائر الله أعلام دینه»؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۷۸؛ ابن جزی غرناطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۶۶؛ ابن عجبیه، بی تا، ج ۳، ص ۵۳۵؛ ابن نجیم، بی تا، ج ۲، ص ۲۶۲؛ طبرسی، ج ۳، ص ۲۶۲ و ج ۷، ص ۱۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۱۴: «فکل ما هو من شعائر الله و آیاته و علاماته المذکرة له فتعظیمه من تقوی الله»).

بنابر مفاد آیه ۳۶ سوره حج، برخی از زائران خانه خدا از منزل خود، شتری را برای ذبح در کنار خانه خدا، به همراه می‌آورند و با انداختن قلاده‌ای برگردنش، آن را برای ذبح در راه خدا اختصاص داده و با این نشانه، آن را از دیگر شتران جدا می‌سازند. پس این شتر

به حکم آیه مذکور، از «شعائرالله» شمرده می‌شود و به مضمون آیه ۳۲ سوره حج ﴿وَمَنْ يُعَظِّمِ شَعَائِرَ اللَّهِ﴾ باید مورد احترام قرار گیرد و مثلاً دیگر نباید بر آن سوار شد و به موقع باید آب و علف آن را داد تا لحظه‌ای که ذبح می‌شود. وقتی شتری به خاطر برگزیده شدن برای ذبح در کنار خانه خدا، جزو «شعائر» می‌گردد و متناسب خود، تعظیم و بزرگداشت آن مطلوب و لازم است، پس اهل بیت پیامبر ﷺ که در طول زندگی خود هرچه کرده‌اند، جز عبودیت و بندگی خدا و خدمت به آیین او نبوده است و وسیله ارتباط میان خدا و خلق او گردیده‌اند و مردم، خدا و آیین او را در پرتو تلاش‌های آنان شناخته‌اند و از جمله مُخْلِصینی هستند که ابلیس به عدم توانایی در وسوسه آنان اعتراف می‌کند (حجر: ۴۰؛ ص ۸۳؛ صفات، صص ۴۰ و ۷۴ و ۱۲۸)، قطعاً جزو «شعائرالله» هستند و به تناسب مقام و موقعیت خود، شایسته تعظیم و بزرگداشت ویژه هستند. یکی از راه‌های تکریم و تعظیم آنان، زیارت قبور مطهر ایشان همراه با حفظ حرمت و تکریم، و صیانت از اندراس و فرسودگی و محو و نابودی آن است. همین امر موجب فضیلت زیارت قبور آنان بر زیارت سایر قبور است.

۲. زیارت قبور اهل بیت ﷺ مصداق ابراز هودت به ذوی القربی

در قرآن کریم هودت و مهرورزی به خویشان پیامبر اعظم ﷺ، مزد رسالت آن حضرت دانسته شده است، آنجا که می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری: ۲۳). در گزارش‌های روایی موجود در منابع حدیثی، تاریخی و تفسیری، مراد از خویشان اهل بیت پیامبر ﷺ است. بخاری (م ۲۵۶ق) از محمد بن بشار، از محمد بن جعفر، از شعبه نقل می‌کند که عبدالملک بن میسره گوید: از طاووس شنیدم که می‌گفت:

«سمعت طاوساً عن ابن عباس أنه سئل عن قوله ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ فقال سعيد بن جبیر قریبی آل محمد؛ فقال ابن عباس عجلت، إن النبي لم یکن بطن من قریش إلا کان له فیهم قرابة فقال إلا أن تصلوا ما بینی و بینکم من القرابة» (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۰۲).

«از ابن عباس درباره این آیه پرسیدند. سعید بن جبیر بی‌درنگ گفت: «منظور از قریبی، آل محمد ﷺ هستند». ابن عباس گفت: «در پاسخ شتاب کردی! به راستی تیره‌ای از قریش نبود، مگر اینکه برای پیامبر خدا ﷺ در آنها پیوند خویشاوندی بود که آن حضرت فرمود: مگر اینکه خویشاوندی میان من و خودتان را حفظ کنید.»

طبری (م ۳۰۱ق) (طبری، بی تا، ج ۲۵، صص ۱۷-۱۶)، دولابی (م ۳۱۰ق) (دولابی، بی تا، ص ۱۱۱-۱۰۹)، هیثم بن کلیب شاشی (م ۳۳۵ق) (طبری، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۷)، طبرانی (م ۳۶۰ق)، طبرانی، بی تا، ج ۳، ص ۴۷؛ و ج ۱۱، ص ۳۵۱، حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق)، حاکم نیشابوری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۷۲، إصبهانی (م ۴۳۰ق)، (اصبهانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۶۵)، ابن عساکر (م ۵۷۱ق) (ابن عساکر، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۱۳۲ و ۱۳۳)، ابن کثیر (م ۷۷۴ق) (ابن کثیر، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۰۰) و دیگران (هیثمی، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۱۶۸؛ سیوطی، ج ۶، صص ۷-۶) نیز با طرق مختلف و با الفاظ گوناگون، گزارش کرده اند که منظور از «قربی» در آیه مودت، اهل بیت پیامبر ﷺ هستند. البته در برخی روایات به صراحت بیان شده است که منظور از «القربی»، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، و دو فرزند آن دو بزرگوار هستند.

این روایات از جهت اعتبار، بنابر آرای رجالی اندیشه وران اهل سنت، به سه دسته تقسیم می گردد:

الف) روایت هایی که به صحت آنها اتفاق نظر دارند. این همان حدیث طاووس، از سعید بن جبیر، از ابن عباس، مذکور در صحیح بخاری است؛

ب) روایت هایی که درباره سند آن هیچ سخنی به میان نیآورده و اظهار نظر نکرده اند، و گویا به اعتبار سند آن معترف بوده اند و از این باب سکوت کرده اند؛ مانند گزارش هایی از خطبه امام حسن علیه السلام پس از شهادت پدر بزرگوارشان که در نقل ابوبشیر دولابی (م ۳۱۰ق) و حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق) آمده، و سخنان امام سجاد علیه السلام در شام که در نقل طبری ذکر شده است؛

ج) روایت هایی که سند آنها تضعیف گردیده و قربی بر فاطمه زهرا علیها السلام و همسر و فرزندان گرامی شان تطبیق شده است.

برخی از دانشوران حوزه فقه، بدون اشاره به روایات دسته دوم، به روایات دسته اول اشاره کرده و معتقدند مراد از «قربی»، خویشان پیامبر و آل او علیهم السلام به معنای عام هستند و با توجه به ضعف برخی روایان احادیث دسته سوم، نمی توان واژه «قربی» را تنها بر اهل بیت عصمت و طهارت پیامبر صلی الله علیه و آله تطبیق کرد؛ بلکه آنان جزئی از اهل بیت هستند، نه اینکه قربی مُنحصر در ایشان باشد.

اما با توجه به سخنان بزرگان جرح و تعدیل اهل سنت، تضعیف راویان روایت‌های دسته سوم، بی اعتبار و مردود است (میلانی، ۱۳۹۰ش) و با توجه به دسته دوم و سوم، مقصود از قربی، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. مفسران و عالمان بسیاری در این زمینه قلم زده‌اند و هیچ نظری را بر آن برتری نداده‌اند. از این میان می‌توان به زمخشری (زمخشری، بی تا، ج ۴، صص ۲۲۲-۲۲۰، ذیل آیه شریفه)، فخر رازی (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۱۶۶)، قرطبی (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۶، ص ۲۳)، خطیب شربینی (خطیب شربینی، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۵۳۸-۵۳۷) و آلوسی (همو، ج ۲۵، صص ۳۱ و ۳۲) اشاره کرد.

به فرض که مراد از قربی خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله به معنای اعم باشند، قطعاً همه خویشان نخواهد بود؛ چراکه در میان آنان کسانی به چشم می‌خورند که به جهت عملکرد نامناسبشان، نمی‌شود علاقه‌مندشان بود؛ از آن دسته‌اند ابولهب که عموی پیامبر صلی الله علیه و آله است. این، حقیقتی قابل درک است که نمی‌توان مودت و دوست داشتن کسی را صرفاً با اتکا به خویشاوندی او با پیامبر صلی الله علیه و آله، مزد رسالت دانست و اصولاً به فرض که مراد، تمام خویشاوندان آن حضرت باشد، روشن است که هر مقدار نزدیکی و خویشاوندی قوی‌تر باشد، باید مهرورزی شدیدتر و بیشتر شود. پس با توجه به عموم «القربی»، محبت و دوستی دختر و نوادگان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مطلوب‌تر از مهرورزی و ابراز مودت به بقیه است. بنابراین مهرورزی تمام و کمال، تنها مختص حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و همسر و فرزندان معصومشان علیهم السلام است؛ چون اینان از حیث نسب به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک‌ترین‌اند، و از آنجا که یکی از مصادیق تام و کامل ابراز مودت و دوستی و محبت به اهل بیت علیهم السلام به خصوص برای مسلمانانی که دوران حیات آنان را درک نکرده‌اند، زیارت قبور آنان است. پس این آیه، مطلوبیت زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام و فضیلت بیشتر آن را نسبت به سایر قبور، نشان می‌دهد.

۳. قول و سیره اهل بیت، در زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام

سیره اهل بیت علیهم السلام در زیارت قبور معصومین و بیانات آنان در مورد مشوق‌های زیارت قبور اهل بیت در متون روایی و تاریخی منعکس شده و حاکی از فضیلت بسیار زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام نسبت به سایر قبور مسلمانان است.

رفتن امیرالمؤمنین و امام باقر علیهما السلام، به زیارت قبر مطهر حضرت زهرا علیها السلام (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۰۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۹) و زیارت قبر مطهر حضرت علی علیه السلام از سوی امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام در گزارش‌های متعددی نقل شده است (ابن قولویه، ص ۳۹؛ ابن طاووس، صص ۴۶-۴۳، ۴۸، ۵۱، ۶۹-۵۵ و ۱۰۰-۹۲).

همچنین رفتن امام حسین علیه السلام به زیارت قبر مطهر امام حسن علیه السلام (ابن قولویه، بی تا، ص ۵۴) و زیارت قبر مطهر امام حسین علیه السلام از سوی امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام (ابن طاووس، بی تا، ص ۴۳؛ ابن قولویه، ص ۲۴۰) و رفتن امام باقر علیه السلام به زیارت قبر مطهر امام سجاد علیه السلام (ابن عساکر، ۱۴۰۷ق، ج ۵۴، ص ۲۸۱-۲۸۲) نیز در گزارش‌های متعدد روایی و تاریخی منعکس شده است.

برخی بدون توجه به سیره تمامی ائمه معصوم علیهم السلام، برای اثبات زیارت نکردن آنان از قبور یکدیگر، به سیره امام جواد علیه السلام مثال می‌زنند و شبهه می‌کنند که این امام همام به زیارت قبر مطهر هیچ یک از ائمه پیش از خود نرفتند و حتی با اینکه در بغداد زندگی می‌کردند، قبر جد بزرگوارشان موسی بن جعفر علیه السلام در کاظمین و حضرت علی علیه السلام در نجف را زیارت نکردند؛ در حالی که این دو قبر مطهر در نزدیکی اقامتگاه آن حضرت قرار داشت (قلمداران، بی تا، ص ۲۸-۲۶) و با زیارت جد بزرگوارشان، ادعای واقفیه در زنده بودن امام کاظم علیه السلام تضعیف می‌شد. همچنین با اینکه خود حضرت مشوق‌های بسیاری برای زیارت قبر پدر بزرگوارشان، علی بن موسی علیه السلام مطرح کرده‌اند (ر.ک: جمعی از نویسندگان، بی تا، ج ۲، ص ۲۰)، ولی به زیارت قبر ایشان نرفته‌اند.

این اشکال، از چند جهت بی اعتبار و ناشی از عدم آگاهی است:

اولاً؛ گزارش‌های متعددی از سیره اهل بیت علیهم السلام مبنی بر زیارت قبور دیگر اهل بیت به دست ما رسیده است که به آن اشاره شد. این خود نشان‌دهنده اهتمام آن حضرت به زیارت قبور اهل بیت و فضیلت زیارت قبور آنان است، هرچند ممکن است از برخی ائمه، چنین گزارشی نرسیده باشد. پس وجود سیره اهل بیت علیهم السلام در زیارت قبور یکدیگر ثابت است؛

ثانیاً؛ پیدا نکردن گزارشی در مورد زیارت حضرت جواد علیه السلام و امامان بعد از ایشان از قبور اهل بیت پیش از خود، نمی‌تواند دلیلی برای عدم زیارت آنان باشد؛ چه اینکه عدم وجدان، دلیل بر عدم وجود در عالم واقع و نفس الامر نیست؛

ثالثاً؛ شرایط و اوضاع آن دوران به گونه‌ای نبود که امکان زیارت علنی قبر امام رضا و امام کاظم علیهما السلام فراهم باشد؛ مثلاً در روایتی از امام جواد علیه السلام پس از ذکر فضیلت زیارت قبر مطهر پدر بزرگوارشان، آمده است: «لا ینبغی أن یفعلوا هذا الیوم فإِنَّ عَلینا وعلیکم خوفاً من السلطان وشنعة» (ابن قولویه، بی تا، ص ۳۰۶) یا در برخی روایات آمده است که زیارت قبر مطهر امام موسی کاظم علیه السلام، از ترس حکومت، از پشت دیوار حرم صورت گیرد (ابن قولویه، بی تا، ص ۲۹۹)؛

رابعاً؛ بنا بر نقل بیهقی، در تاریخ بیهقی، امام جواد علیه السلام در سال ۲۰۲ قمری به زیارت پدر بزرگوارشان رفته است (امین، ۱۴۳۲ق، ج ۲، ص ۳۳) و با توجه به تردید در سال شهادت امام رضا علیه السلام، یعنی ۲۰۲ یا ۲۰۳ قمری، این زیارت یک سال بعد از شهادت یا حین شهادت ایشان بوده است.

پس با توجه به اخبار حاکی از سیره اهل بیت علیهم السلام در زیارت قبور اهل بیت پیش از خود، فضیلت و تمایز زیارت قبور اهل بیت از سایر قبور ثابت است. علاوه بر اینکه بیانات حضرات معصوم علیهم السلام در خصوص نقل زیارتنامه‌های اهل بیت (ابن قولویه، سال نشر؛ مفید، ۱۴۱۳ق) و عباراتی که در تشویق همگان به زیارت قبور معصومان علیهم السلام به کار رفته است (ابن قولویه، بی تا، صص ۴۹-۳۷ و صص ۳۰۸، ۵۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، صص ۳۰۰-۳۴۴؛ ابن طاووس، بی تا، ص ۴۱-۴۶، ۱۱۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، صص ۴۰۹-۵۴۲) از دیگر ادله‌ای است که فضیلت زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام را نسبت به سایر قبور اثبات می‌کند.

آنان با بیان فضیلت‌ها و اجرهای دنیوی و اخروی برای زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام، دستداران اهل بیت را به زیارت قبور آنان ترغیب کرده‌اند و این کلمات و عبارات در تبیین فضیلت زیارت قبور آنان نسبت به سایر قبور مسلمانان، نسبت به فعل و سیره آنان، صراحت بیشتری دارد.

گزارش‌های این مشوق‌ها و بیان زیارتنامه‌ها، از دیرباز در قالب تک‌نگاری‌هایی به نام «کتاب المزار» و «کتاب الزیارات» از نویسندگان مختلف جمع‌آوری شده است و بر پایه این نوشته‌ها، یکی از ابواب روایی مجامع حدیثی شیعه به بیان آن هر امام معصوم اختصاص یافت.

شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ق) گزارش‌های رسیده از اهل بیت علیهم السلام در خصوص فضیلت زیارت قبور هر کدام از حضرات معصومین علیهم السلام و مشوق‌های آن زیارت را از مجامع روایی

جمع آوری و در کتاب «وسائل الشیعه» تحت عنوان «ابواب المزار و ما یناسبه» به ترتیب با عناوینی همچون «باب استحباب زیارة فاطمة علیها السلام و موضع قبرها»، «باب استحباب زیارة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و کراهة ترکها»، «باب استحباب زیارة الحسن علیه السلام خصوصا عشیة الجمعة»، «باب تأکد استحباب زیارة الحسین بن علی علیه السلام و وجوبها کفایة»، «باب استحباب تکرار زیارة الحسین علیه السلام بقدر الإمكان»، «باب وجوب زیارة الحسین علیه السلام و الأئمة علیهم السلام علی شیعتهم کفایة»، «باب استحباب اختیار زیارة الحسین علیه السلام علی العتق و الصدقة و الجهاد»، «باب استحباب اختیار زیارة الحسین علیه السلام علی جمیع الأعمال»، «باب استحباب زیارة الحسن و علی بن الحسین و الباقر و الصادق علیهم السلام بالبقیع»، «باب استحباب زیارة قبر الکاظم علیه السلام و لو من خارج»، «باب استحباب زیارة قبر ابی الحسن علیه السلام بالمأثور...»، «باب استحباب زیارة قبر الرضا علیه السلام»، «باب استحباب اختیار زیارة الرضا علیه السلام علی زیارة کل واحد من الأئمة علیهم السلام»، «باب استحباب اختیار زیارة الرضا علیه السلام و خصوصا فی رجب علی الحج و العمرة المندوبین»، «باب استحباب زیارة ابی جعفر الثانی علیه السلام و الدعا عنده و استحباب اختیار زیارة الکاظم و الجواد علیهم السلام معا علی زیارة الحسین علیه السلام»، «باب استحباب زیارة الهادی و العسکری علیهم السلام...» و... تدوین کرده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، صص ۵۷۳ - ۳۷۵).

هرچند این احادیث و روایات، نیازمند بررسی دلالتی و سندی است و توجه به دلالت و تأمل در مضامین و شرح آنها، اهمیت ویژه‌ای دارد و از دیرباز مورد توجه علمای مذهب جعفری قرار گرفته است، ولی آنچه در اینجا مورد استناد قرار می‌گیرد، معنایی است که در تمام این گزارش‌ها ملحوظ است و آن، همان فضیلت زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام بر سایر قبور است که به نحو تواتر معنوی، نزد پیروان اهل بیت علیهم السلام، ثابت است.

نتیجه‌گیری

افزایش معرفت و شناخت و الگوگیری و اسوه‌پذیری زائر، زنده نگه داشتن اهداف و افکار مزور، تجدید عهد و پیمان زائر با مزور، توسل و درخواست شفاعت زائر از مزور، تبرک جستن او از قبر، و نزول برکات و رفع گرفتاری‌های زائر با زیارت قبور صالحان و بزرگان دین، از جمله کمالاتی است که زائر از زیارت این قبور کسب می‌کند. و همین

امر موجب امتیاز ویژه و فضیلت زیارت قبور آنان از سایر قبور می‌شود که البته در این میان، بین مصادیق صالحان فرق است، در برخی، همچون قبور مطهر اهل بیت علیهم‌السلام، موارد مزبور نسبت به سایر قبور بزرگان دین و مذهب شدت بیشتری دارد و همین امر موجب امتیاز زیارت آنان از زیارت سایر قبور شده است.

تمایز و برتری عقلی زیارت قبور صالحان و بزرگان دین نسبت به زیارت دیگر قبور، از منظر کسانی که حسن و قبح عقلی را انکار نکرده و تلازم آن را با حکم شرعی پذیرفته‌اند، در سه وجه تقریر گردید و گفته شد که عقلای عالم را بنا بر این بوده و هست که از بزرگان خود، به شیوه‌های گوناگون تجلیل کنند که زیارت قبور آنان یکی از این روش‌هاست. این سیره و روش عقلا، مورد تأیید و امضای اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفته و مطالعه منابع تاریخی و روایی نشان می‌دهد که مسلمانان با تأسی به این سیره و روش عقلای عالم، از صدر اسلام تا کنون، نسل به نسل، از همه طبقات و اقشار، با هر مذهب و اعتقاد، در زیارت قبور صحابه پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، صالحان و بزرگان دین و مذهب، علما، و اولیای الهی، رغبت ویژه‌ای از خود نشان داده و علاوه بر تبرک جستن از مزار آنان با بوسیدن، دست کشیدن و گذاشتن صورت روی قبر و توسل و طلب باران (استسقا) از خداوند به برکت آنها، به تعظیم و تکریم آنها مبادرت کرده و خود را به آدای احترام ویژه در زیارت قبور آنان ملزم می‌دانستند. افزون بر اینکه ویژگی خاص و فضیلت زیارت قبور اهل بیت علیهم‌السلام از باب تعظیم شعائر و مودت به ذوی‌القربی، و براساس کلمات خود ایشان، از دلائلی است که اندیشمندان مذاهب اسلامی بر آن تأکید دارند.

فهرست منابع

- قرآن کریم
۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمان، بی تا، تفسیر القرآن العظیم، محقق: أسعد محمد الطیب، المكتبة العصرية.
 ۲. ابن‌الحاج، محمد (۱۴۲۴ق). المدخل، دار التراث.
 ۳. ابن جبیر، محمد (۱۹۸۶م). إعتبار الناسک فی ذکر الآثار الکریمه و المناسک المعروف برحله ابن جبیر، بیروت، دار و مکتبه الهلال.

۴. ابن جزى، محمد (۱۴۱۶ق). التسهيل لعلوم التنزيل، محقق: عبد الله خالدى، دارالكتاب العربى، بيروت.
۵. ابن سعد، ابو عبدالله، بى تا، الطبقات الكبرى، بيروت، دار صادر.
۶. ابن طاووس، عبدالكريم، بى تا، فرحة الغرى فى تعيين قبر أمير المؤمنين على بن أبى طالب عليه السلام فى النجف، قم، الشريف الرضى.
۷. ابن عجيبة، احمد، بى تا، البحر المديد فى تفسير القرآن المجيد، محقق: قرشى رسلان و احمد عبدالله، قاهره، ناشر: حسن عباس زكى.
۸. ابن عساكر، ابوالقاسم (۱۴۰۷ق). تاريخ دمشق الكبير، محقق: عبدالقادر بدران، بيروت، داراحياء التراث العربى، چاپ سوم.
۹. ابن قولويه، ابوالقاسم، بى تا، كامل الزيارات، نجف اشرف، دار المراضية.
۱۰. ابن كثير، اسماعيل (۱۴۲۰ق). تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن كثير)، محقق: سامى بن محمد السلامة، دار طيبة.
۱۱. ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴ق). لسان العرب، لبنان، بيروت، دارصادر.
۱۲. ابن نجيم، زين الدين (بى تا). البحر الرائق شرح كنز الدقائق، بيروت دار المعرفة.
۱۳. اخوان الصفا (۲۰۰۷م). انجمن سرى اخوان الصفا، كانون ايرانى پژوهشگران فلسفه و حكمت، بازيبني شده در ۳۱/ ۳/ ۲۰۰۷.
۱۴. اشتهاردى، على پناه (۱۴۱۷ق). مدارك العروة، تهران، دار الأسوة للطباعة و النشر.
۱۵. اصبهاني، احمد (۱۴۱۰ق). تاريخ اصبهان، محقق: سيد حسن كسروى، بيروت، دارالكتب العلمية.
۱۶. اصبهاني، احمد (۱۴۱۰ق). حلية الأولياء و طبقات الأصفياء، قاهره، السعادة.
۱۷. آلوسى، نعمان، بى تا، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم و السبع المثانى، محقق: على عبدالبارى عطيه، بيروت، دارالكتب العلمية.
۱۸. آملی، محمد تقى (۱۳۸۰ش). مصباح الهدى فى شرح العروة الوثقى، تهران، نشر مؤلف.
۱۹. امين، سيد محسن (۱۴۳۲ق). كشف الإرتياب فى أتباع محمد بن عبدالوهاب، قم، المجمع العالمى لأهل البيت.
۲۰. بخارى، محمد (۱۴۰۷ق). صحيح البخارى محقق: مصطفى ديب البغا، بيروت، دارابن كثير، چاپ سوم.

۲۱. بخیت حنفی، محمد، بی تا، تطهیر الفؤاد من دنس الاعتقاد، قم، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت.
۲۲. بغدادی، احمد (۱۴۱۷ق). تاریخ بغداد أو مدينة السلام، بیروت، دار الكتب العلمية.
۲۳. بکری دمیاطی، ابوبکر (۱۴۱۸ق). إعانة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین، بیروت، دارالفکر.
۲۴. جامی، نورالدین (۱۳۷۸ش). دیوان جامی، مصحح: اعلا خان افصح زاد، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب.
۲۵. جصاص، احمد (۱۴۰۵ق). أحكام القرآن، محقق: محمد صادق القمحاوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۶. جمعی از نویسندگان (۱۴۲۷ق). موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام، قم، مؤسسه الامام الهادی علیه السلام.
۲۷. جمعی از نویسندگان تحت اشراف آیت الله خزعلی، بی تا، موسوعة الإمام الجواد علیه السلام، قم، مؤسسه ولی عصر.
۲۸. حاکم نیشابوری، محمد (۱۴۱۷ق). المستدرک علی الصحیحین مع تعلیقات الذهبی، محقق: مقبل بن هادی الوادعی، مکه مکرمه، دارالحرمین.
۲۹. حرعاملی، محمد (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۰. خاقانی شروانی (۱۳۷۸ش)، دیوان، به کوشش: ضیاء الدین سجادی، تهران، زوار، چاپ ششم.
۳۱. خطیب شربینی، محمد (۱۳۷۰ق). مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۲. خطیب شربینی، محمد (۱۴۲۵ق). سراج المنیر، بیروت، دار الكتب العلمیه.
۳۳. دولابی، محمد، بی تا، الذریة الطاهرة النبویة، محقق: سعد المبارک الحسن، الكويت، الدار السلفية.
۳۴. ذهبی، شمس الدین (۱۴۱۰ق). تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، محقق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی.
۳۵. راغب، حسین (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، دمشق، الدار الشامیه.
۳۶. زمخشری، محمود، بی تا، الکشاف عن حقایق التنزیل، بی جا، انتشارات ققنوس.
۳۷. سبزواری، عبدالاعلی (۱۳۸۸ش)، مهذب الاحکام فی بیان حلال والحرام، قم، دارالتفسیر.

٣٨. سبكي، تقي الدين (١٤١٩ق). شفاء السقام في زيارة خير الأنام، محقق: سيد محمد رضا حسيني جلالى، بى نا، چهارم.
٣٩. سمهودى، على (١٤٣٠ق). وفاء الوفا بأخبار دار المصطفى، محقق: محمد محى الدين عبد الحميد، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
٤٠. سنابى غزنوى، ابوالمجد (١٣٨٢ش)، حديقة الحقيقة و شريعة الطريقة، تهران، مركز نشر دانشگاهى.
٤١. سيوطى، جلال الدين، الدر المنثور، بيروت، دار الفكر.
٤٢. صدوق، محمد (١٤٠٦ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، دار الشريف الرضى للنشر، دوم، قم.
٤٣. صدوق، محمد كتاب من لا يحضره الفقيه، بيروت، منشورات الاعلمى.
٤٤. طباطبايى، سيد محمد حسين (١٤١٧ق). الميزان فى تفسير القرآن، قم، جامعه مدرسین، چاپ پنجم.
٤٥. طبرانى، ابوالقاسم، بى تا، المعجم الكبير، محقق: حمدى عبد المجيد السلفى، مكتبة ابن تيميه.
٤٦. طبرسى، فضل، بى تا، مجمع البيان فى تفسير القرآن، بيروت، مؤسسه الأعلمى، چاپ دوم.
٤٧. طبرى، محمد، بى تا، تفسير الطبرى (جامع البيان فى تفسير القرآن)، بيروت، دار المعرفة.
٤٨. طبسى، نجم الدين (١٣٩١ش). شناخت وهاييت، قم، انتشارات دليل ما.
٤٩. طوسى، محمد، بى تا، التبيان فى تفسير القرآن الكريم، محقق: احمد حبيب عاملى، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٥٠. طوسى، محمد (١٤٠٧ق). تهذيب الأحكام، تهران، دارالكتب الإسلاميه، چاپ چهارم.
٥١. عسقلانى، احمد (١٣٧٩ق). فتح البارى شرح صحيح البخارى، بيروت، دار المعرفة.
٥٢. عسقلانى، احمد (١٤٠٤ق). تهذيب التهذيب، بيروت، دار الفكر.
٥٣. عسقلانى، احمد (١٤١٥ق). الإصابة فى تمييز الصحابة، محقق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلميه.
٥٤. علامه امينى، عبدالحسين (١٤١٦ق). الغدير فى الكتاب و السنة و الأدب، قم، مركز الغدير للدراسات الإسلاميه.
٥٥. عينى حنفى، بدرالدين، بى تا، عمدة القارى شرح صحيح البخارى، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
٥٦. غزالى، ابو حامد، بى تا، إحياء علوم الدين، بيروت، دار المعرفة.

۵۷. فاضل مقداد، بی تا، نضد القواعد الفقهية، قم، نشر کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۵۸. فخر رازی، محمد (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۵۹. فیض کاشانی، محسن (۱۹۸۳م). المحجة البيضاء فی تهذیب الأحياء، منشورات مؤسسة الاعلمی.
۶۰. فیومی، احمد، بی تا، مصباح المنیر، قم، منشورات دار الرضی.
۶۱. قرطبی، محمد (۱۳۶۴ش). الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۶۲. قلمداران، حیدر علی، بی تا، زیارت و زیارتنامه، بی جا، بی نا.
۶۳. کلینی، محمد (۱۴۰۷ق). الکافی، محقق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
۶۴. مزی، یوسف (۱۴۰۰ق). تهذیب الکتب فی أسماء الرجال، محقق: بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرساله.
۶۵. مفید، محمد (۱۴۱۳ق). کتاب المزار، محقق: سید محمد باقر ابطحی، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۶۶. میلانی، سید علی حسینی (۱۳۹۰ش)، مهرورزی به اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه قرآن و سنت، قم، انتشارات حقایق اسلامی.
۶۷. نبهانی، یوسف، بی تا، شواهد الحق فی الإستغاثة بسید الخلق صلی الله علیه و آله، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۶۸. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۶۹. نووی، یحیی (۱۴۱۴ق). الأذکار النوویة، محقق: عبد القادر الأرئووط، بیروت، دار الفکر.
۷۰. هیثمی، علی (۱۴۰۸ق). مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دار الکتب العلمیة.